
**احمد احمدی (ساک)**

## کوچ

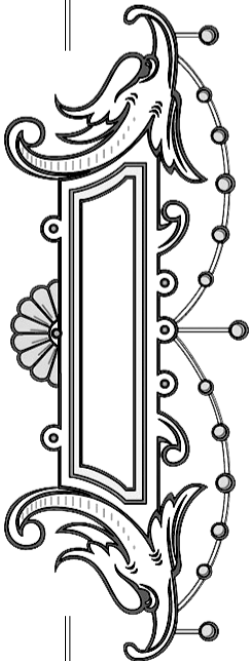
گاجری ها دوباره می آیند  
از افق، از کرانه، از خورشید  
از سر کوه های پر ز تابش  
از بر دشت های پر از امید  
از میان تبار نخلستان  
از کویر و سکوت دشتستان  
با نسیم ملایم یا بنیر  
فصل پر بار گشتن جانیز  
گاجری ها دوباره می آیند  
این صدایی که می رسد در گوش  
جای پای قشنگ پاییز است  
فصل مهر است و مهربانی ها  
خش خش برگ های بکر بر است  
کم گنگا برهای باران را  
به افق ها سلام می گویند  
با ترانه ببار، ای باران...  
قطره های نوآز آهنگی  
چلچله می نوآز آهنگی  
که صدایش ز عمق جان آرد  
آسمان پر ز قار قار کلاغ  
بهره زنده ای، نشان آرد  
گاجری ها دوباره می آیند  
و خبر های تازه می آوند  
خبر از برهای باران را  
به بر دشت تشنه می آوند  
گاجری جان چقدر زیبایی  
سر قول و قرار می آیی  
با همه خورفته ای، اینک  
بانوید بهار می آیی...


**نرگس اجداریان**

## هوای

## مشرق

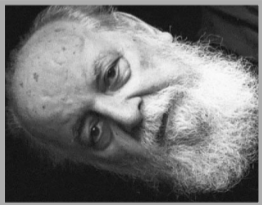
مثل بیروت جنگ زده ام  
سرم سوت می کشد راه آهن ها زنگ زده اند  
تو زنگ زدی گفتی دیگر نمی آیی  
هوای مشرق موها را سفید می کند  
قطار های اینجایی باز گشتند



## ترازوی

## سنجش

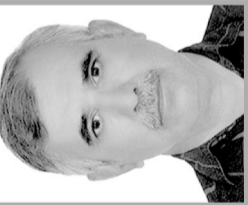
دوژنار، قصدا، بیامام مکن  
زانچه می گویم، بشیام مکن  
کبرای خوبی، از خوبان مگیر  
فصل محبوس می محبوبان مگیر  
گر بدی گیرد جهان را سر به سر  
از دلم امید خوبی را، سبر  
چون ترازویم، به سنجش آوری  
سنگ سووم را منه در داوری  
چون که هنگام نثار آید مرا  
خُب داتسم را مکن فرمانروا  
مگر دروغی بر من آرد کاستی  
کج مکن راه مرا از راستی  
بای اگر فرسودم و جان کاستم  
آنچنان رقتم که خود می خواستم


**هوشنگ آفتاب‌اخ**

## نتهایی

## باغ

پاییز محزونی  
که در خون تو می خواند  
گامی به تو نزدیک و گامی دور  
آرام هیره تو می آید  
روزی تمام باغ را  
تسخیر خواهد کرد  
ای روشن آرای چراغ لاگنان  
در رهگذار یاد  
با من نمی گویی  
آن آهوان شاد و شگ و تو  
سوی کدامین جوگزارانی گریزان اند؟  
آه!


**محمدرضا زنگنه**

**مهدی سالاری**

## قایق سرخ

## شهادت

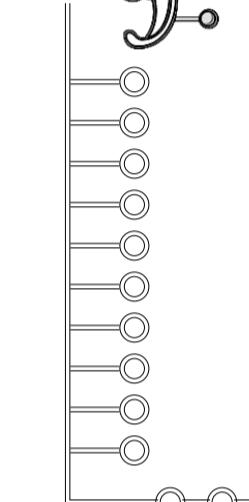
دوبیتی نه دلش شعر سپید است  
صدایی تازه از تسلی جدید است  
میان قایق سرخ شهادت  
سپاهی مظهر صلح وامید است  
\*\*\*  
شب پنجره آه در نگاهش دارد  
شب، جاده و راه در نگاهش دارد  
شب طلسم بی گران زیبایی هست  
شب چشم سیاه در نگاهش دارد  
\*\*\*  
اصلاً تو بگو که کی فریبش را خورد  
ته ملانده ی غصه های جیش آرم شده بود  
بیچاره دلم تشنه آدم شده بود  
یک لحظه فقط کمی ز سبیش را خورد  
\*\*\*


**محمدمهدی**

## دایره

## قسمت

وقتی که هستم زرد و مر تر، من تو را دارم  
در لحظه های دردی حدم، تو را دارم  
در بزم شادی نیستم، مشکلی هم نیستم  
وقتی شوم در بزم غم، تو را دارم  
سنگ و کلوخ راه را فیهنیم و گشم  
هرگز نگر در راه من سد، من تو را دارم  
در دایره از قسمتم بی زارم و خوب است  
بر خطی از احساس منند من تو را دارم  
بی خود برای شهرهای صبحه می بالم  
هر اتفاقی که پیشند من تو را دارم



## بغض

## صدا

به راحت عاشقی زار و تزارم  
شده عشقت همه دار و ندارم  
نمانده در کنار آشنایی  
چه کردی عاقبت با روز گرام  
\*\*\*  
تو که عشقت فقط دام بلا بود  
همه دنیا به چشمت مبتلا بود  
چه کردی با دلم، یکباره ای عشق  
که بی تو زندگی با در هوا بود  
\*\*\*  
تویی که می دهی رنج و عذابم  
تویی که بی تو، من در انتهایم  
ولی با این همه هر روز و هر شب  
برای دیدنت بی صبر و ناام  
\*\*\*  
سلامی می کنم از دل برایت  
جوایم را بده، جانم فدایت  
عدالم می دهد هر دم سکونت  
بیا خانی یکن بغض صدایت

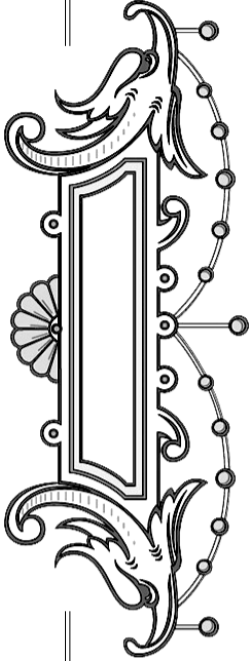

**خائیرالله آقاسی**

**سعیده دیان**

## باز

## باران

می زند باران به پشت پنجره  
خُب ترک بر دار بغض حنجره  
پس کجایی باز باران را بخوان  
من که خبیب از آن زمانم همچنان  
ما و باران رمز و رازی داشتیم  
بدر های عشق را می کاشتیم  
چتر خود را بسته و چتر مرا  
سقف می کردی برای هر دو تا  
چشم هامان گر چه خبیب از اشک بود  
آسمان از اشک ما در رشک بود  
چشم هدایت تا به چشمم باز شد  
آیه آیه سوره اعجاز شد  
نم نمک سبلی به راه انداخت عشق  
ذره ذره شاعری می ساخت عشق



## سکه

## اشک

شب است و باغچه های تهی ز میخک من  
و بوی خاطره ها در حیاط کوچک من  
حیاط خلوت من از سکوت سرشار است  
کجاست نغمه غمگینت ای چکاوک من؟  
به سکه سکه اشکم تو را خریدارم  
تویی نهایی پس انداز های قلک من  
بگبر دست مرا ای عروس دریایی  
بیا به یاری دنیای بی عروسک من  
تو را به رشته ای از آرزو گره زده اند  
به پشت پنجره سینه مشبک من  
کسی نیامده، حتی کلاغ های سیاه  
به قصد غارت جانیز بی مترسک من  
کجوتر آنه بیا تخم آشتی بگذار  
میان کودی انگشت های کوچک من  
شب است و خواب عمیقی روده شهر مرا  
کجاست شیطنت کودکی و سوختک من؟  
بتر من از این همه لولو که پشت پنجره اند  
بخواب شعر قشنگم، بخواب کودک من...


**سعیده باناکی**

جای خلوت من از سکوت سرشار است

کجاست نغمه غمگینت ای چکاوک من؟

بسیکوسه کنم تو را خریدارم

تویی بمانی پس اندازهای قلک من


**امین مهدی**

## تاوان

قلب ما رستم و سهراب و نریمان دارد  
باز بازنده به پهریست که سلطان دارد  
عشق گاهی به دلی سر زده وارد بشود  
میزبانی بکند آن که مهمان دارد  
در دو راهی دل و عقل بماند آدم  
می رود گاه همان راه که طوفان دارد  
رنجش از عشق سونامی بشود در دل ها  
هر که عاشق بشود خانه ویران دارد  
مثل مجنون بشود هر که ببیند لبی  
عاشقی گاه گناهیبست که تاوان دارد


**فرومرز زارع**

## گل

## شقایق

در وازه شهر رو به آتش باز است  
آتشکده را هوای رمز و راز است  
عاشق که شدی در د مرا می فهمی  
انگار که پاییز پر از شیراز است  
\*\*\*  
تا باغ پر از گل شقایق بشود  
گنجشک دیواره مست و عاشق بشود  
باید برسد بهار و لیخند زان  
با خنده ی گل یار موافق بشود  
\*\*\*  
وقتی که بهار می رسد پایورچین  
از عرش صدا سبزه آید به زمین  
پنجهبر عشقی می نویسد باران  
تا دامن لاله ها شود چین در چین  
\*\*\*  
در سینه اگر هوای دیگر دارم  
سورای تو را همیشه در سر دارم  
گیسوی سیاه شب اگر می بالم  
امید به صبح روز محشر دارم  
\*\*\*  
افتاده کنار آشتی منزل ما  
خاکستر ما به باد داده دل ما  
آتش چه غربانه سخن می گوید  
از سوختن تمام آب و گل ما  
\*\*\*  
از فصل بهار و سبزه اش بیزارم  
پاییز تویی که گشای کارم  
ای کاش در رخ روبه رو می خشکید  
با پنجره ام قرار دیگر دارم  
\*\*\*

مردان به صف نشسته را دید و نشست  
بر دار طناب بسته را دید و نشست  
از پنجره ی کوچک بی فردائی  
پرواز بلند خسته را دید و نشست